

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جنبش اصولی و اخباری و پیامدهای آن در دوره قاجار

توسط :

محمدحسن انصاری

پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای

تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی :

تاریخ

از :

دانشگاه شیراز

شیراز ، ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه عالی

امضاء اعضاء کمیته پایان نامه :

دکتر جهانبخش ثواقب ، استناد یار بخش تاریخ (رئیس کمیته)

دکتر غلامرضا وطن دوست، دانشیار بخش تاریخ

دکتر عزت الله نودری ، دانشیار بخش تاریخ

آبان ماه ۱۳۸۰

۵۵۶۹۸

رئیس هیات مدیران علم ایران
محمدحسن انصاری

تقدیر

پدر و مادرم

که به من درس پاکی و راستی و شوق آموختن تعلیم کردند

به :

روح بلند و ملکوتی برادر شهیدم **اسدالله انصاری** و

همه شهدای خاندان بزرگ انصار ممسنی

سیاسگزاری

اکنون که کار این پژوهش به انتها رسیده، لازم است راهنمائیهای خردمندان، متواضعانه و صبورانه استاد بزرگوار **دکتر جهانبخش ثواقب** (استاد راهنما) را سپاس گویم.

همچنین بر خود فرض می دانم از مشورت‌های عالمانه و راهگشایانه

استادان ارجمند **دکتر غلامرضا وطن دوست** (که اندیشه اصلی این پژوهش را از او گرفتم) و **دکتر عزت اله نوذری** (استادان مشاور) صمیمانه تشکر و سپاسگزاری نمایم.

چکیده

جنبش اصولی و اخباری و پیامدهای آن در دوره قاجار

توسط:

محمد حسن انصاری

اصولی‌گری و اخباری‌گری به عنوان دو بینش فقهی به روزگار پیدایش مکتبهای فقهی در قرن دوم هجری باز می‌گردد. اما باید دانست جنبش اخباری‌گری به معنای نوین آن توسط محمد امین استرآبادی در دوره صفویه آغاز شد. بر اثر تلاشهای وی اخباریها کم کم بر اصولیها چیره شدند، به طوری که در دوره افشار و زند حوزه‌های علمی و مراکز فرهنگی شیعه زیر سلطه اخباریها قرار داشت. با ظهور وحید بهبهانی در دوره زند و فعالیتهای علمی و عملی او و شاگردانش اصولیها بر اخباریها پیروز شدند و اخباریها از آن زمان تا کنون از صحنه روحانیت شیعه کنار زده شدند. جنبش اصولی‌گری که حامل اندیشه‌های نو و کهنه اصولی‌ها می‌باشد از همین دوره (بهبهانی) آغاز می‌شود. به طور کلی اخباریها و اصولی‌ها را می‌شود چنین تعریف کرد: اخباریها کسانی هستند که در نگرش فقهی خود بیشتر بر روایات تکیه دارند و اصولی‌ها کسانی هستند که در دید فقهی خود بیشتر بر مبانی عقلی و علم اصول فقه توجه دارند. مباحثات حاملان این دو اندیشه در دوره قاجار یک سری پیامدهای سیاسی و مذهبی در پی داشت که مهمترین آنها عبارتند از: گسترش اندیشه اجتهاد و تقلید، به وجود آمدن نهاد مرجع تقلید، قدرت یابی و نفوذ فوق‌العاده روحانیت در بین توده‌های مردم و هم‌آوردی با دولت، به وجود آمدن روشنگری و روشنفکری در اندیشه روحانیت شیعه، به طوری که با توجیحات اصولی از بسیاری از مظاهر نوگرایی غرب از جمله مبانی انقلاب مشروطیت استقبال کردند. همچنین از دیگر پیامدهای آن می‌توان به تأثیر این دو نوع تفکر بر جنبشهای شیخی‌گری و بابی‌گری نام برد.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: ریشه‌های تاریخی پیدایش اصولی‌گری و اخباری‌گری	
۱-۱- اصولی و اخباری در میان اهل سنت و تشیع.....	۱۰
۲-۱- ریشه یابی تاریخی دو اصطلاح اصولی و اخباری.....	۱۱
۳-۱- مروری بر دوره‌های مختلف فقه.....	۱۲
۱-۳-۱- عصر صحابه.....	۱۳
۲-۳-۱- دوره تابعین.....	۱۴
۴-۱- سیری در مکتب‌های عمده فقهی اهل سنت.....	۱۴
۱-۴-۱- مکتب فقهی حنفی.....	۱۶
۱-۴-۱-۱- علل بی‌توجهی ابوحنیفه به احادیث.....	۱۶
۲-۴-۱- پیامدهای آزاد اندیشی در فقه حنفی.....	۱۸
۳-۴-۱- برخی از فتوای ابوحنیفه.....	۱۹
۲-۴-۱- مکتب فقهی مالکی.....	۱۹
۳-۴-۱- مکتب فقهی شافعی.....	۲۰
۴-۴-۱- مکتب فقهی حنبلی.....	۲۱
۱-۴-۴-۱- ابن تیمیه.....	۲۳
۲-۴-۴-۱- نقش اصلاح طلبی ابن تیمیه در روزگار خود.....	۲۳
۳-۴-۴-۱- نهضت وهابیت.....	۲۴
۴-۴-۴-۱- گرایش بعضی از روشنفکران جهان اسلام به وهابیت.....	۲۵
۵-۴-۴-۱- نهضت سلفیه.....	۲۵
۵-۱- منابع استنباط احکام از نظر اهل سنت.....	۲۶

عنوان

صفحه

۱-۵-۱-قرآن	۲۶
۲-۵-۱-سنت	۲۷
۳-۵-۱-اجماع	۲۸
۴-۵-۱-قیاس	۳۰
۵-۵-۱-منابع دیگر فقه	۳۲
۱-۵-۵-۱-استحسان	۳۲
۲-۵-۵-۱-مصالح مرسله	۳۳
۳-۵-۵-۱-استصلاح و عمل مردم مدینه	۳۴
۴-۵-۵-۱-رأی	۳۴
۶-۱-تأثیر مکتبهای کلامی بر مکتبهای فقهی	۳۵
۷-۱-انسداد باب اجتهاد و رکود فقه در میان اهل سنت	۳۷
۱-۷-۱-نظریه ابن خلدون	۳۸
۲-۷-۱-دیدگاه اقبال	۳۸
۳-۷-۱-دیدگاههای دیگر	۴۰
۴-۷-۱-تلاش برای احیای اندیشه اجتهاد در میان اهل سنت	۴۱

فصل دوم: جنبش اخباری گری در میان شیعیان

۱-۲-فقه آغازین شیعه، روایی یا اجتهادی؟	۴۴
۲-۲-سه دوره مهم جنبش اخباری گری	۴۵
۱-۲-۲-دوره اول: مکتب حدیث گرای قم	۴۵
۲-۲-۲-دوره دوم: استرآبادی و حرکت نوین اخباری در عصر صفویه	۴۷
۱-۲-۲-۲-مروری بر زندگی نامه محمد امین استرآبادی	۴۸
۲-۲-۲-۲-بعضی از مهمترین فقهای اخباری این دوره	۴۹
۳-۲-۲-۲-زمینه‌های پیدایش و دلایل گسترش	
اخباری گری در روزگار صفویه	۵۰
۳-۲-دوره سوم: محمد اخباری و آخرین تکاپوها در اوایل قاجاریه	۵۲
۴-۲-پاره‌ای از عقاید اخباریها	۵۵
۵-۲-اخباریها و کتاب (قرآن)	۵۹
۶-۲-اخباریها و سنت	۶۰

۶۳ ۲-۷- اخباریها و اجماع

۶۴ ۲-۸- بعضی از فتواهای علمای اخباری

۶۷ ۲-۹- اخباریها و جمود فکری، نگرشی بر تأثیرات مثبت و یا منفی اخباریها در حیات عقلی شیعیان

۶۹ ۲-۱۰- نقش علمای بحرین در گسترش جنبش اخباری‌گری

فصل سوم: جنبش اصولی‌گری

۷۴ ۳-۱-۱- مکتبهای فقهی اصول‌گرا

۷۴ ۳-۱-۱-۱- مکتب قدیمین (ابن عقیل عمانی، ابن جنید اسکافی)

۷۷ ۳-۱-۲- مکتب متکلمان (شیخ مفید، سید مرتضی)

۷۸ ۳-۱-۳- مکتب شیخ الطایفه (محمد بن الحسن الطوسی)

۸۰ ۳-۱-۴- مکتبهای فقهی اصول‌گرای دوره صفویه

۸۰ ۳-۱-۴-۱- مکتب محقق کرکی

۸۰ ۳-۱-۴-۲- مکتب مقدس اردبیلی

۸۲ ۳-۱-۵- مکتب وحید بهبهانی (دوره افشار و زند)

۸۳ ۳-۱-۵-۱- تألیفات وحید بهبهانی

۸۳ ۳-۱-۵-۲- شاگردان وحید بهبهانی

۸۵ ۳-۱-۵-۳- زمینه‌های جنبش اصولی‌گری در عصر وحید بهبهانی

۸۶ ۳-۱-۵-۴- نقش حوزه علمیه اصفهان در حفظ و تداوم اندیشه اصولی‌گری

۸۶ ۳-۱-۵-۵- تعدادی از علمای اصولی معاصر وحید بهبهانی

۸۸ ۳-۱-۶- مکتب شیخ انصاری

۸۸ ۳-۲- اختلافات علمای اصولی و اخباری

۹۰ ۳-۳- تداوم کشمکش اصولی و اخباری و سرانجام پیروزی اصولی‌ها

۹۲ ۳-۴- عقل و اجتهاد در میان شیعیان

فصل چهارم: پیامدهای جنبش اصولی و اخباری بر روحانیت شیعه در دوره قاجار

۹۸ ۴-۱- گسترش بی‌رویه علم اصول

۹۹ ۴-۱-۱- تاریخچه علم اصول

۱۰۰ ۴-۱-۲- منتقدین علم اصول

- ۲-۴- تأثیر اجتهاد و علم اصول بر مبانی فکری روحانیت ۱۰۲
- ۱-۲-۴- عوامل مؤثر در استقبال روحانیون از پاره‌ای مظاهر نوگرایی در ایران ... ۱۰۵
- ۲-۲-۴- روحانیت و مراجع تقلید شیعه و نهضت پان اسلامی ۱۰۷
- ۳-۲-۴- نفوذ گسترده علما در دوره قاجار ۱۰۷
- ۱-۳-۲-۴- عزل حکام ۱۰۸
- ۲-۳-۲-۴- دخالت در جنگهای ایران و روس ۱۰۸
- ۳-۳-۲-۴- دخالت در بعضی از رویدادهای دوره قاجار ۱۱۱
- ۴-۳-۲-۴- تشکیل محاکم شرعی ۱۱۱
- ۳-۴- نهاد مرجع تقلید ۱۱۲
- ۴-۴- رساله‌های عملیه ۱۱۴
- ۵-۴- گسترش اندیشه اجتهاد و تقلید در میان شیعیان ۱۱۶
- ۶-۴- بی توجهی به قرآن ۱۱۸
- ۷-۴- توجه فوق‌العاده به سنت ۱۱۹

فصل پنجم : جنبش شیخی گری

- ۱-۵- تأثیر اندیشه‌های اصولی و اخباری بر مکتب شیخی گری ۱۲۱
- ۲-۵- مهمترین دلایل تأثیرپذیری مکتب شیخی گری از اندیشه اصولی‌ها ۱۲۲
- ۳-۵- مهمترین دلایل تأثیرپذیری مکتب شیخی از اندیشه اخباری‌ها ۱۲۳
- ۴-۵- شیخی گری مکتبی میان اصولی گری و اخباری گری ۱۲۵
- ۵-۵- تأثیر بینش فلسفی و عرفانی شیخ احمد احسائی بر مکتب شیخی گری ۱۲۶
- ۱-۵-۵- زندگی نامه شیخ احمد احسائی ۱۲۶
- ۲-۵-۵- تألیفات شیخ احمد احسائی ۱۲۷
- ۳-۵-۵- شیخ احمد احسائی و استفاده از ذوق عرفانی و بینش فلسفی ۱۲۸
- ۶-۵- عقاید شیخی‌ها ۱۲۹
- ۷-۵- جسم هورقلیایی ۱۳۱
- ۸-۵- غیبت امام عصر (عج) ۱۳۲
- ۹-۵- معراج ۱۳۳
- ۱۰-۵- حقوق زنان ۱۳۴
- ۱۱-۵- ارزیابی عقاید شیخیه ۱۳۴

عنوان

صفحه

۱۲-۵- تکفیر شیخ احمد احسائی و ایجاد مذهب شیخی ۱۳۹

۱۳-۵- سید کاظم رشتی (جانشین شیخ احمد احسائی) ۱۴۰

۱۴-۵- نحله‌های شیخی ۱۴۱

فصل ششم: جنبش بابی گری

۱-۶- رابطه و تأثیر جنبش شیخی گری بر جنبش بابی گری ۱۴۳

۲-۶- استفاده از مباحث دینی در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی ۱۴۴

۳-۶- زندگینامه سید علی محمد باب ۱۴۵

۴-۶- زمینه‌های فکری و اجتماعی ظهور باب در ایران ۱۴۶

۱-۴-۶- زمینه‌های فکری ۱۴۶

۲-۴-۶- زمینه‌های اجتماعی ۱۴۸

۵-۶- شیخی‌ها و باب ۱۴۹

۶-۶- مجالس مباحثه و مناظره با سید باب (شیراز- اصفهان- تبریز) ۱۵۰

۷-۶- اجتماع بدشت و اعلام رسمی شریعت باب ۱۵۲

۸-۶- جنگ‌های بابی‌ها (درگیری‌ها و شورش‌های قلعه طبرسی مازندران، زنجان و نیریز) ۱۵۳

۹-۶- پاره‌ای از احکام فقهی باب ۱۵۵

۱۰-۶- پاره‌ای از گفتارها و اصول باب ۱۵۶

۱۱-۶- ادعاهای باب، از بابیت تا مهدویت و نبوت ۱۵۷

۱۲-۶- نوگرایی و باب ۱۵۸

۱۳-۶- جنبش بهائی گری ۱۵۹

نتیجه گیری ۱۶۱

فهرست منابع

چکیده به انگلیسی ۱۷۰

مقدمه

سابقهٔ اصولی گری و اخباری گری به عنوان دو مکتب فقهی به زمان پیدایش مکاتب فقهی اهل سنت در قرن دوم هجری باز می‌گردد. بعضی از این مکاتبها مانند مالکی و حنبلی بیشتر به ظاهر اخبار و احادیث توجه داشتند و به عقل و قیاس در فهم و استنباطهای دینی بهای چندانی نمی‌دادند. در جهت مخالف این دو فقهانی مانند ابوحنیفه در برداشتهای فقهی خود به عقل و قیاس تکیه داشتند. این دیالوگ و به عبارت بهتر نزاع مذهبی با فاصله زمانی بیشتری در میان شیعیان وارد شد و فقه شیعه در طول تاریخ خود چندین مکتب فقهی، اصولی یا اخباری را تجربه کرده است، که گهگاه اخباریها بر اصولیها و یا اصولیها بر اخباریها تسلط و تفوق داشته‌اند.

تضاد و اصطکاک میان این دو گرایش فقهی در دوره صفویه و توسط شخص محمدامین استرآبادی (احیا کنندهٔ مکتب اخباری در دوره صفویه) وارد مرحله گسترده‌تری شد. وی در کتاب خود موسوم به "فوائد المدنیه" حملاتی را متوجه فقهای اصول گرای شیعه نمود و به نقد دیدگاه فقهی آنان پرداخت. بر اثر تلاشها و کوشش‌های استرآبادی و پیروان او، حوزه‌های علمی و مراکز فرهنگی شیعه در ایران، عتبات عراق و سایر جاهها به مدت دو قرن، به ویژه در دوره فترت میان صفویه و قاجار (یعنی دوره افشار و زند)، زیر سلطه اخباریها قرار گرفت. در واقع جنبش اخباری‌گری به مفهومی که امروزه مورد نظر ما است، از دوره صفویه آغاز می‌شود. بر اثر تلاشهای علمی و عملی وحید بهبهانی و شاگردانش، مکتب او در دورهٔ زند و اوایل قاجار، به دو قرن سلطه اخباریها بر مراکز فرهنگی شیعه خاتمه داده شد. اصولیها از آن زمان تا کنون تفوق و موقعیت خود را در جامعه شیعه حفظ کرده‌اند. اصولی‌گری به عنوان یک جنبش، نه صرفاً به عنوان یک مکتب فقهی، از عصر وحید بهبهانی مورد نظر ما است.

اخباریها معتقدند که تنها مرجع برای استنباط احکام شرعی، قرآن و روایات منقول از معصومین می‌باشد. البته آنها قرآن را هم زمانی قابل استفاده و فهم می‌دانستند که توضیح و

تفسیری در آن مورد از معصوم رسیده باشد، به همین جهت تفسیر قرآن بعضی از علمای اخباری مانند فیض کاشانی (نگارنده تفسیر صافی در قرآن) و عبدالعلی حویزی (نگارنده تفسیر نورالثقلین) صرفاً متکی بر اخبار و احادیث رسیده از معصومین می‌باشد.

به علاوه اخباریها نقشی برای عقل در استنباطهای احکام شرعی و به طور کلی نقشی برای عقل در دین قائل نبودند، گرچه بعضی از همین علمای اخباری از قبیل فیض کاشانی خود در زمره فیلسوفان قرار داشتند. به طور کلی اخباریها از چهار منبع استنباط احکام، یعنی کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل (قیاس)، فقط قرآن و سنت را قبول داشتند، و به اجماع و عقل اعتنایی نداشتند.

به نظر می‌رسد مهمترین مسأله‌ای که باعث کشمکش میان اصولیها و اخباریها در دوره قاجار شد، این بود که: اخباریها اعتقادی به تقسیم جامعه به دو طبقه مجتهد و مقلد (عالم و جاهل) نداشتند. آنها می‌گفتند همه مردمی که آشنا به علوم عربی و اصطلاحات ائمه باشند، قادرند احکام مورد نظر خود را از منابع و متون دینی استخراج کنند، و همه مردم از عالم و عامی به یک نحو مقلد ائمه هستند، همچنانکه قبل از غیبت کبری همه به طور یکسان مقلد ائمه بودند. در واقع باید گفت اخباریها نوعی فهم دینی را برای توده مردم جایز می‌دانستند. این عقیده اخباریها بالقوه می‌توانست به قرائتهای متعدد دینی و پلورالیسم منجر شود. این تکثرگرایی گرچه در عرصه احکام فرعی بود، اما احتمال داشت به مسائل اصول دین هم کشانده شده و موجب ظهور فرقه‌های متعدد شود.

اصولیها در مقابل با ذکر شواهدی معتقد بودند که سنت اجتهاد در زمان خود پیامبر و ائمه وجود داشته و سنت اجتهاد یک مسأله مستحدثه در جهان اسلام و تشیع نیست. آنها همچنین یادآور می‌شدند که بسیاری از مسائل و پرسشهای نو در عصر و روزگار ما وجود دارد که پاسخ آنها را مستقیماً در کتاب و احادیث نمی‌توان یافت، بنابراین برای پاسخگویی به این مسائل جدید نیاز به اجتهاد داریم. به علاوه اصولیها به شدت طرفدار تقسیم جامعه به دو طبقه مقلد و مجتهد بودند و فهم دینی را فقط مخصوص عالمان دین می‌دانستند.

نکته دیگری که باید در رابطه با جنبش اصولی و اخباری مطرح کرد این است که: این دو جنبش تا قبل از دوره صفویه، بیشتر حامل بار علمی بودند و مباحث آن پیرامون مباحث فقهی دور می‌زد، اما از دوره صفویه تا عصر قاجار، به شدت بر ابعاد سیاسی و صنفی آن افزوده گشت، به طوری که دو طرف این نزاع یکدیگر را مورد تحریم و تکفیر و تهمت و افترا قرار دادند.

جنبش مذهبی دیگری که در ادامه و با توجه به مباحثات اصولی و اخباری، در دوره قاجار به وقوع پیوست، جنبش شیخی‌گری است. به عقیده بعضی از پژوهشگران، مکتب شیخی حد وسط دو مکتب اصولی و اخباری است. شیخ احمد احسائی مؤسس مکتب شیخی و جانشینان او با دیدی فلسفی و عرفانی سعی در توجیه عقلانی بعضی از مباحث قابل مناقشه در جهان اسلام، مانند معراج، معاد جسمانی، توجیه طول عمر امام عصر (عج) را داشتند. آنها همچنین مجتهد را واسطه‌ای کارآمد بین امام عصر و مردم نمی‌دانستند و در این زمینه معتقد به شیعه کامل و رکن رابع که ارتباط مستقیم با امام زمان داشته باشد، بودند.

به نظر می‌رسد آنچه که شیخی‌ها را مورد انتقاد بی‌مهری و انکار سایر شیعیان قرار داد این بود که: به عقیده بعضی از محققان جنبش شیخی‌گری زمینه‌های لازم برای حرکت دین بر اندازه‌ی «بابیها» را فراهم کرد.

بابی‌گری جنبش مذهبی دیگری است که به دنبال جنبش شیخی‌گری در دوره قاجار به وقوع پیوست. مهمترین عاملی که بابیها را به شیخی پیوند می‌زند، گرایش تعداد زیادی از علمای شیخی به جنبش باب می‌باشد. بابیها با استفاده از زمینه‌های فکری، مذهبی و نارضایتیهای موجود، سعی کردند که رهبری تحولات سیاسی، اجتماعی و مذهبی را به دست گیرند، و دین و حکومت جدید مذهبی را که وعده ادیان الهی بود، در ایران و جهان (به قول خودشان)، جایگزین دین و نظام حکومتی موجود کنند. این حرکت گرچه خود دارای مبانی فکری و فلسفی پیشرفته‌ای نبود که موجبات ترقی کشور شوند، بلکه خود عامل پیدایش بسیاری از نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی و مذهبی شد، اما به عقیده بعضی از محققان با محک زدن جدی خود بر نهادهای دین و حکومت زمینه‌ساز جنبش نوگرایی و در نهایت انقلاب مشروطیت در ایران شدند.

۱-۱- اهداف و پرسشهای پژوهش

هدف این رساله با عنوان «جنبش اصولی و اخباری و پیامدهای آن در دوره قاجار روشن کردن مبانی عقیدتی و فکری این دو جنبش و تأثیرات آن بر اوضاع سیاسی و مذهبی دوره قاجار می‌باشد. فرضیه‌ها و پرسشهایی که در این رساله مدنظر قرار گرفته، عبارتند از:

- آیا در بروز جنبشهای مذهبی دوره قاجار اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مؤثر بوده است؟

- آیا نظام بسته سیاسی باعث آن شد که مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور در پوشش جنبشهای مذهبی ظهور کند؟

- آیا تنگ نظریها و عدم تحمل روحانیون نظرات یکدیگر را در عرصه اندیشه دینی در بزرگ جلوه دادن این نظرات و سپس ظاهر شدن آن به عنوان یک جنبش مذهبی مؤثر بوده است یا نه؟

- رساله مشتمل بر شش فصل به شرح زیر می باشد:

فصل اول: "ریشه های تاریخی پیدایش اصولی گری و اخباری گری"

در این فصل به تاریخچه و مبانی عقیدتی مکتبهای اصولی و اخباری در میان اهل سنت از قرن دوم هجری تا زمان انسداد باب اجتهاد در میان اهل سنت سخن رفته است.

فصل دوم: "جنبش اخباری گری در میان شیعیان"

در این فصل به سه دوره مهم جنبش اخباری گری، یعنی مکتب حدیث گرای قم در قرن چهارم هجری، تلاش محمد امین استرآبادی برای احیای جنبش اخباری گری در دوره صفویه، و آخرین تکاپوها برای تداوم این جنبش توسط محمد اخباری در دوره قاجار، همچنین دیدگاههای علمای اخباری پیرامون فقه و نقاط قوت اندیشه و تفکر آنان در مسائل دینی مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل سوم "جنبش اصولی گری"

در این فصل به معرفی مکتبهای فقهی اصول گرا در میان شیعیان از قبیل: مکتب قدیمین، مکتب متکلمان، مکتب شیخ الطایفه، مکتب محقق کرکی، مکتب مقدس اردبیلی، مکتب وحید بهبهانی و مکتب شیخ انصاری پرداخته شده است. همچنین در این مبحث عقل و اجتهاد به عنوان مهمترین نقطه قوت فقههای اصول گرا مورد نقد قرار گرفته است.

فصل چهارم "پیامدهای جنبش اصولی و اخباری بر روحانیت شیعه در دوره قاجار"

در این فصل به بعضی از پیامدهای مذهبی و سیاسی جنبشهای اصولی و اخباری مانند قدرت و نفوذ بی سابقه علما در دوره قاجار و تأثیر آن بر بعضی از رویدادهای سیاسی آن دوره مانند انقلاب مشروطیت، رساله های عملیه، گسترش اندیشه اجتهاد و تقلید در میان شیعیان اشاره شده است.

فصل پنجم: "جنبش شیخی گری"

در این فصل به پیوند جنبش شیخی گری با اصولی‌ها و اخباری‌ها، تاریخچه جنبش شیخی گری، و عقاید شیخی‌ها از قبیل جسم هورقلیایی، معاد جسمانی، رکن رابع و معراج مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل ششم: "جنبش بابی گری"

در این فصل هم به رابطه و تأثیر جنبش شیخی گری بر جنبش بابی گری، زمینه‌های فکری و اجتماعی ظهور باب در ایران، پاره‌ای از احکام فقهی و اصول و گفتارهای باب، نوگرایی و باب، جنبش بهائی گری سخن رفته است. اما قبل از ورود به بحث، لازم است نگاهی اجمالی و گذرا به منابع مورد استفاده در این رساله افکنده شود.

۲- بررسی منابع تحقیق

برای نگارش این پژوهش از تعدادی منابع تاریخی، تذکره‌نامه‌ها و کتابهای تحقیقاتی جدید استفاده شده است، که آنها را به طور مختصر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱- بررسی چند منبع مهم

یکی از مهمترین کتابهایی که راجع به دو مکتب اصولی و اخباری مطالبی در آن ذکر شده است، کتاب *الملل و النحل* نوشته محمدبن عبدالکریم شهرستانی است. این اثر یکی از مهمترین تألیفات است که در زمینه نحله‌ها و مذاهب‌هایی که تا زمان مؤلف در سرزمینهای اسلامی وجود داشته، به رشته تحریر درآمده است. اهمیت این کتاب به حدی است که هیچ محققى که طالب پژوهش در مذاهب و مکاتب اسلامی است، نمی‌تواند خود را از آن بی‌نیاز بداند. این تألیف شاید اولین کتابی باشد که مطالبی راجع به دو مکتب اصولی و اخباری در آن ذکر شده و مبانی فکری صاحبان این دو مکتب را تشریح کرده است.

منبع مهم دیگری که مطالب با ارزشی در آن راجع به اصولی‌ها و اخباری‌ها وجود دارد، کتاب *النقض* نوشته عبدالجلیل رازی می‌باشد. این اثر در حدود ۵۶۵ هـ. ق، در پاسخ به کتابی که مبانی فکری و عقیدتی شیعیان را مورد حمله قرار داده بود به رشته تحریر درآمده